

تولد به غنچه

تولد به غنچه...



تولد به غنچه

دیشب دم سحر بود

گمانم به خبر بود

توی حیات تو باغچه

صدای خنده سر بود

به غنچه داش وا می شد

یک گل زیبا می شد

بازم جشن تولد

تو باغچه برپا می شد

مهموناشون رسیدن

کادو هاشون و چیدن

حالا می خواستن باهم

تولد و ببینن

لحظه ی آخر رسید

کسی صدایی نشنید

تا اینکه غنچه با ناز

شکفت و دنیا رو دید

هورا کشید شاپرک

شادی می کرد سنجاقک

گفتن با هم یکصدا

تولدت مبارک